

همیشه‌ی



تصویر بر سر زنجیرهای محبوسان علی‌حلیمی

گفت‌وگو با قاضی دادگاه کیفری ۲ لواسانات که طی ۱۵ ماه، بیش از ۵۰ حکم جایگزین حبس صادر کرده است

متهم را به اجاره‌خانه برای نیازمندان محکوم کردم

و صدور احکام نوآورانه جایگزین حبس، در رسانه‌ها مطرح شده و خیلی‌ها او را به‌عنوان یک قاضی خلاق می‌شناسند. او دکتري حقوق جزا و جرم‌شناسی دارد. قریب به ۹سال از شروع کارش در قوه‌قضاییه می‌گذرد و پرونده کاری‌اش پر است از کارهای خلاقانه و احکام مبتکرانه. شاید یکی از جنجالی‌ترین احکامی که قاضی حسین‌پور صادر کرد، برای خودش بود. او زمانی که دادیار دادسرای ویژه سرعت بود در حالی که تصور می‌کرد در انجام وظایفش کوتاهی کرده قرار ۲۴ساعت بازداشت برای خودش در پلیس آگاهی صادر کرد؛ یا اینکه به مجرمی که به خاطر سرعت لوله‌های آب در پارک دستگیر شده بود،

گفت‌وگو **الیه فراهانی** روزنامهنگار

«زمانی دادیار جرائم داخل زندان بودم و از نزدیک می‌دیدم که چطور زندانی شدن افرادی که هیچ سابقه کیفری نداشتند می‌توانست آنها را تبدیل به مجرمان سابقه‌دار کند؛ برای همین وقتی قاضی شدم، تصمیم گرفتم از زندانی شدن مجرمان جرائم سبک که سابقه کیفری ندارند جلوگیری کنم.» اینها را میثم حسین‌پور می‌گوید؛ قاضی جوانی که در سال‌های اخیر بارها به‌دلیل انجام کارهای خدایپسندانه

داخل زندان بودم؛ زندان جایی‌شهر، قزل حصار

و ندامتگاه کرج. یک‌سال اول در ایسن ۳ زندان دادیار بودم و کار می‌کردم. از نزدیک شاهد این موضوع بودم که چطور زندانی شدن افرادی که سابقه‌ای نداشتند، تأثیرات بد و مخربی بر روحیه و زندگیشان می‌گذاشت؛ به‌عنوان نمونه چند فرد را دیدم که مرتکب جرم کم‌اهمیتی مانند توهین شده بودند و باید بین ۳ تا ۴ماه زندانی می‌شدند. به چشم خود دیدم این افراد که اغلب تحصیلکرده‌هم

بودند، در زندان تحت‌تأثیر جو زندان قرار گرفته و در آنجا، آموزش خلاف دیدند و پس از آزادی دیگر آن آدم سابق نبودند؛ چراکه زندگی در زندان خیلی سخت‌است و شرایط بسیار بدی دارد. همان افرادی که هیچ سوء پیشینه‌ای نداشتند، یکبار به‌تبدیل به مجرمانی خطرناک شدند و دست به اقدامات خلاقکارانه بزرگی زدند. همان روزها با خود عهد بستم که چنانچه روزی، خداوند لطف کرد و برصنلی قضاوت نشستم تا جایی که بتوانم از ورود افرادی که جرم کم‌اهمیت مرتکب می‌شوند، به زندان جلوگیری کنم تا آینده‌شان تباه نشود.

می‌توانید به چند مورد از احکام جایگزینی که صادر کرده‌اید، اشاره کنید؟

من سعی می‌کنم با توجه به شخصیت طرف، برایش حکم جایگزین صادر کنم. به عنوان مثال اگر به من ثابت شود که متهم به‌شدت پشیمان است، قطعا به جای فرستاندن او به زندان، برایش مجازات جایگزین در نظر می‌گیرم. تا جایی که بتوانم از ورود افرادی که سابقه‌ای ندارند و جرم کم‌اهمیت مرتکب شده‌اند، به زندان جلوگیری می‌کنم؛ چون این موضوع برای من از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

چرا این موضوع برایتان مهم و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که سعی می‌کنید از ورود افراد به زندان جلوگیری کنید؟

داشتن چنین روحیه‌ای به شروع کارم برمی‌گردد. ۹سال قبل که کارم را شروع کردم، دادیار جرائم

چند وقت است که قضاوت می‌کنید؟

وقتی کارم را شروع کردم، دادیار جرائم داخل زندان بودم. بعدها به دادسرای جنایی تهران رفتم و مدتی نیز در آنجا به‌عنوان بازپرس مشغول به‌کار بودم. حالا حدود یک‌سال و ۳ماه است که پشت میز ریاست شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری ۲ لواسانات نشستم ، کارم را به لطف خدا ادامه می‌دهم و همیشه از خدا خواستام، کنارم باشد تا کارم را به‌درستی انجام بدهم.

در این مدت، بارها اسم شما در رسانه‌ها به خاطر ابتکار و خلاقیت‌هایی که به خرج داده‌اید مطرح شده است. اخیرا هم این اتفاق به‌دلیل احکام جایگزین حبس که از سوی شما صادر شده رخ داده است. می‌توانید بگویید در این مدت، چند حکم جایگزین حبس صادر کرده‌اید؟

بیش از ۵۰مورد است اما تعداد دقیق آنها را به‌خاطر ندارم چون یادداشت نمی‌کنم.

در چه شرایطی از ایسن احکام استفاده می‌کنید؟

در شرایطی که جرائم کم‌اهمیتی رخ بدهد، قانونگذار به قاضی اجازه می‌دهد که از مجازات‌های جایگزین استفاده کند؛ با استناد به ماده ۸۲ قانون مجازات اسلامی. البته باید تأکید کنم که این کار در صورتی انجام می‌شود که جرم صورت گرفته کم‌اهمیت باشد و متهم نیز سابقه‌ای نداشته باشد. در هر جرمی نمی‌توان از این قانون استفاده کرد. من همیشه همه این موارد مانند عدم‌سوءسابقه متهم، رضایت شاکی و جرم کم‌اهمیت را در نظر می‌گیرم و بعد حکم جایگزین صادر می‌کنم.

می‌توانید اشاره کنید که در کدام جرائم بیشتر از حکم جایگزین استفاده می‌کنید؟

جرامی مانند تهدید، توهین، افترا یا خیانت در امانت. معمولاً اگر به من ثابت شود که متهم به‌شدت پشیمان است، قطعا به جای فرستاندن او به زندان، برایش مجازات جایگزین در نظر می‌گیرم. تا جایی که بتوانم از ورود افرادی که سابقه‌ای ندارند و جرم کم‌اهمیت مرتکب شده‌اند، به زندان جلوگیری می‌کنم؛ چون این موضوع برای من از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

چرا این موضوع برایتان مهم و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که سعی می‌کنید از ورود افراد به زندان جلوگیری کنید؟

داشتن چنین روحیه‌ای به شروع کارم برمی‌گردد. ۹سال قبل که کارم را شروع کردم، دادیار جرائم

در نظر بگیرم؛ یعنی ابتدا به شغلش نگاه می‌کنم و بعد براساس آن، حکم صادر می‌کنم؛ به‌عنوان نمونه فردی بود که مرتکب خیانت در امانت شده و کارش طراح سرویس‌های آرکوپال بود. حکم داده به جای رفتن به زندان و محارمت برای همسایه‌اش ۸عروس و داماد بی‌بضاعتی که تحت نظر کمیته امداد و بهزیستی هستند، سرویس کامل آرکوپال به‌عنوان چیزی به تهیه کند یا فردی که تولیدی لوازم‌التحریر داشت و مزاحمت برای همسایه‌اش ایجاد کرده بود، محکوم شد که برای آدانش آموز بی‌بضاعت، یک کامل لوازم‌التحریر تهیه کند یا فرد دیگری که لیسانس حقوق داشت خودش را وکیل جا زده بود و سعی داشت به شخصی در دادگاه کمک کند. هر چند شاکی رضایت داد اما براساس قانون متهم باید ۴ماه زندانی می‌شد. چون سابقه‌ای نداشت و صرفا فکر می‌کرده لیسانس حقوق گرفته و دیگر وکیل شده است، او را به جای فرستاندن به زندان محکوم به خرید بسته و مجموعه کتاب آزمون و کالت برای آدانشجوی تحت پوشش بهزیستی در رشته و کالت کردم؛ چون می‌دانستم این مجموعه کتاب‌ها گران است و کمک بزرگی برای پوشش بهزیستی خواهد بود. مورد دیگر هم متهمی بود که به

خانم معلمی به جرم خیانت در امانت دستگیر شده بود. حکم دادم تا او به ۸ کودک کار، زبان درس بدهد

جرم توهین دستگیر شده بود. من وی را به جای حبس، محکوم به خرید ادست لباس گرم برای ۸کودک کار و کاشت نهال برای ۸کودک کار به نام آنها کردم که مجازات اجرا شد. پرونده دیگر هم مربوط به دعوی ۲ همسایه بود که من حکم دادم تا فردی که اقدام به توهین کرده ۸حدیث ۸آیه را حفظ حرمت و آبروی افراد پیدا کند. او باید ۸آیه را حفظ می‌کرد، می‌نوشت و برای من می‌آورد که مجازات این شخص هم اجرا شد. در پرونده دیگری هم فردی به‌اتهام تهدید و مزاحمت دستگیر شد. ظاهر اصلی سگ او برای همسایه مزاحمت ایجاد می‌کرد او در درگیری، همسایه‌اش را تهدید کرده بود. من حکم دادم تا این فرد ۸ملک برای ۸نفر که زیرپوشش کمیته امداد و سرپرست خانوار بودند، اجاره کند که این حکم هم اجرا شد.

این مجرمان اغلب خانم هستند

یا آقای؟

اغلب آقا هستند اما در بین آنها خانم هم وجود دارد. به‌عنوان نمونه خانم معلمی متهمم پرونده‌ام بود که فکر می‌کنم به جرم خیانت در امانت دستگیر شده بود. حکم دادم تا این خانم معلم به ۸کودک کار، ریزان زندانیان زیادی آزاد شدند و به آغوش که او هم محکوم به کاشت ۸درخت شد. یک خانم تحصیلکرده دیگر هم بود که محکوم به

کمک کرد تا از رفتن او به زندان جلوگیری کند. این باز پرس سابق دادسرای جنایی تهران از ۱۵ماه پیش قضات نشسته، حالا رئیس شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری ۲ لواسانات است و همچنان به کارهای منحصربه‌فرد خود ادامه می‌دهد. وی در ایسن مدت بیش از ۵۰حکم جایگزین حبس صادر کرده چراکه معتقد است در پرونده‌هایی که جرائم کم‌اهمیت صورت گرفته، می‌توان به جای حبس، از مجازات‌های جایگزین که قانونگذار اجازه داده، استفاده کرد تا مانع از فرستادن این مجرمان به زندان شد. گفت‌وگوی همشهری با این قاضی خوش‌فکر را در ادامه می‌خوانید.

خبر ۸تبلت برای ۸کودک بی‌بضاعت شد. البته پرونده‌های بسیاری هست که من الان این موارد در خاطرمانده است.

در همه احکام از عدد ۸ استفاده کرده‌اید؛ مثل کاشت ۸درخت یا تدریس به ۸کودک کار و...؛ دلیلش چیست؟

به نیت امام‌هشتم ما شیعیان. من ارادت خاصی به امام‌ضاح(دارم و خادم حرم ایشان هستم. روزی که کارم را شروع کردم رفتم حرم امام‌ضاح(از ایشان خواستم تا کمک کند. بعد که دادیار دادسرای سرعت و سپس بازپرس جنایی و پله بعدی رئیس دادگاه شدم هم این کار را تکرار کردم. هر بار از خودشان کمک خواستم و همیشه از عدد ۸می‌نوشت و برای من می‌آورد که مجازات این شخص هم اجرا شد. در پرونده دیگری هم فردی به‌اتهام تهدید و مزاحمت دستگیر شد. ظاهر اصلی سگ او برای همسایه مزاحمت ایجاد می‌کرد او در درگیری، همسایه‌اش را تهدید کرده بود. من حکم دادم تا این فرد ۸ملک برای ۸نفر که زیرپوشش کمیته امداد و سرپرست خانوار بودند، اجاره کند که این حکم هم اجرا شد.

این مجرمان اغلب خانم هستند یا آقای؟

اغلب آقا هستند اما در بین آنها خانم هم وجود دارد. به‌عنوان نمونه خانم معلمی متهمم پرونده‌ام بود که فکر می‌کنم به جرم خیانت در امانت دستگیر شده بود. حکم دادم تا این خانم معلم به ۸کودک کار، ریزان زندانیان زیادی آزاد شدند و به آغوش که او هم محکوم به کاشت ۸درخت شد. یک خانم تحصیلکرده دیگر هم بود که محکوم به

داخلی



داستان‌سرایی بعد از قتل شوهر

زنی که در درگیری جان همسرش را گرفته بود، به از تکاب جنایت‌ست اعتراف کرد.

به گزارش همشهری، ظهر شنبه به قاضی محسن اختیساری، بازپرس ویژه قتل تهران خبر رسید که سردی در درگیری جان باخته است. وی به همراه همسرش در آپارتمان‌شان بودند که این حادثه رخ داده بود. همسر وی در تحقیقات اولیه گفت: شوهرم مشکل اعصاب و روان داشت و حتی چندین بار در بیمارستان بستری شده بود. امروز هم ناگهان با ماهیتابه به سر و صورتش کوبید و پیش از اینکه مانع او شوم، جان باخت.

پزشکی قانونی اما بر خلاف ادعای زن جوان، اعلام کرد که شوهرش به‌دلیل خفگی جان باخته است. مأموران بار دیگر به تحقیق از این زن پرداختند و هر چند او قصد داشت این بار جنایت را به‌گسردن فردی غریبه بیندازد اما در نهایت اسرار قتل شوهرش را فاش کرد.

او گفت: من و شوهرم مدام با یکدیگر دعوا داشتیم؛ چون نمی‌توانستیم بچه‌دار شویم و اختلاف مان بیشتر بر سر همین مسئله بود. وی ادامه داد: روز خانه با زن دیگری با شوهرم درگیر شدم. او خیلی عصبانی بود و به سمت آشپزخانه رفت، ماهیتابه را برداشت و به سر و صورتش کوبید. من به سمت او رفتم تا آرامش کنم اما او به‌شدت عصبانی بود. ناچار شدم شالم را دور دهانش بیچم تا فریادش قطع شود اما او جان باخت.

این زن پس از اقرار به قتل بازداشت شد و تحقیقات تکمیلی از او توسط مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.



سرقت از بیماران در بیمارستان

مردی که با حضور در بیمارستان‌های مختلف تهران با شگردی عجیب دست به سرقت کارت اعتباربانک مرجان می‌زد، دستگیر شد. به گزارش همشهری، چند روز پیش مرد سالخورده‌ای به کلاتر ۱۳شهرری رفت و از دزد کارت اعتباربانک مرجان گفت: من در حال رانندگی بودم که در در بیمارستان شکایت کرد. وی گفت: برای درمان به بیمارستان فریزرآبادی‌رفته بودم و وقتی می‌خواستم از دستگاه اعتباربانک پول بگیرم، مرد جوانی نزد من آمد و گفت که چون شما هر بار از خودشان کمک خواستم و همیشه از عدد ۸می‌نوشت و برای من می‌آورد که مجازات این شخص هم اجرا شد. در پرونده دیگری هم فردی به‌اتهام تهدید و مزاحمت دستگیر شد. ظاهر اصلی سگ او برای همسایه مزاحمت ایجاد می‌کرد او در درگیری، همسایه‌اش را تهدید کرده بود. من حکم دادم تا این فرد ۸ملک برای ۸نفر که زیرپوشش کمیته امداد و سرپرست خانوار بودند، اجاره کند که این حکم هم اجرا شد.

شما یک قاضی معروف و چهره مردمی هستید و ظاهرا چندین جام و تندیس هم به‌همین منظور دریافت کرده‌اید؟

تعداد جام‌هایی را به‌خاطر ندارم چون از هر جشنواره یک جام و تندیس دریافت کرده‌ام اما باید بگویم که بعد از دریافت این جام‌ها و تندیس‌ها همه آنها را برای فروش گذاشتم و خیرین آنها را خریدند و با پول‌شان زندانیان زیادی آزاد شدند و به آغوش خانوادهایشان برگشتند.

چیز چیزی باعث شده تا چنین روحیه خیرخواهانه‌ای داشته باشید؟

احساس رضایت از خود می‌کنم. وقتی که می‌توانم به فردی کمک کنم، هیچ وقت آدم‌ها هم با مراجه به پلیس اعلام کردند زمانی که من از بالا به پایین نگاه نکردم. این خصلت من است. هر وقت که متهمی مقابل من قرار می‌گیرد برای چند دقیقه خودم را جای آن شخص می‌گذارم. قضاوت کار سختی است و خدا همیشه به من لطف داشته و کمک کرده است. اطرافیانم معتقد هستند که روحیه صلح و سازش دارم و شاید همین روحیه و آرامشی که خدا به من داده باعث شده که همیشه دلم خواسته به مردم کمک کنم و کار خیر انجام دهم. البته در پرونده‌هایی که متهم مرتکب جرم خانم شده، به هیچ‌عنوان کوتاه نیامده‌ام و مجازات سنگینی هم برایش صادر کرده‌ام.

داخلی



داستان‌سرایی بعد از قتل شوهر

زنی که در درگیری جان همسرش را گرفته بود، به از تکاب جنایت‌ست اعتراف کرد.

به گزارش همشهری، ظهر شنبه به قاضی محسن اختیساری، بازپرس ویژه قتل تهران خبر رسید که سردی در درگیری جان باخته است. وی به همراه همسرش در آپارتمان‌شان بودند که این حادثه رخ داده بود. همسر وی در تحقیقات اولیه گفت: شوهرم مشکل اعصاب و روان داشت و حتی چندین بار در بیمارستان بستری شده بود. امروز هم ناگهان با ماهیتابه به سر و صورتش کوبید و پیش از اینکه مانع او شوم، جان باخت.

پزشکی قانونی اما بر خلاف ادعای زن جوان، اعلام کرد که شوهرش به‌دلیل خفگی جان باخته است. مأموران بار دیگر به تحقیق از این زن پرداختند و هر چند او قصد داشت این بار جنایت را به‌گسردن فردی غریبه بیندازد اما در نهایت اسرار قتل شوهرش را فاش کرد.

او گفت: من و شوهرم مدام با یکدیگر دعوا داشتیم؛ چون نمی‌توانستیم بچه‌دار شویم و اختلاف مان بیشتر بر سر همین مسئله بود. وی ادامه داد: روز خانه با زن دیگری با شوهرم درگیر شدم. او خیلی عصبانی بود و به سمت آشپزخانه رفت، ماهیتابه را برداشت و به سر و صورتش کوبید. من به سمت او رفتم تا آرامش کنم اما او به‌شدت عصبانی بود. ناچار شدم شالم را دور دهانش بیچم تا فریادش قطع شود اما او جان باخت.

این زن پس از اقرار به قتل بازداشت شد و تحقیقات تکمیلی از او توسط مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

آن سوی مرز

زن ۶۰ساله، قاتل پیر مرد ۹۳ساله شد



زندگی مشترک کارل میلر ۹۳ساله و جوئیس آلبرز ۶۰ساله که از حدود یک‌ماه پیش شروع شده بود مدت زیادی طول نکشید و با جنایتی هولناک پایان یافت. به گزارش همشهری به نقل از فاکس، سساکتان محله‌های کوچک در شهر یاواپای ایالت آریزونا چند روزی بود که از همسایه‌شان به نام میلر خبر نداشتند و نگران‌ش شده بودند. این مرد ۹۳ساله راننده کامیون بود و به تازگی با زنی به‌نام جوئیس آلبرز، زندگی مشترکش را آغاز کرده بود. همسایه‌ها که از این ماجرا نگران شده بودند ماجرا را به پلیس خبر دادند و تیمی از مأموران برای پی بردن به سرنوشت مرد گمشده راهی خانه او شدند. وقتی مأموران زنگ خانه را به صدا درآوردند، جوئیس آلبرز ۶۰ساله در آن‌گشود. او به مأموران گفت که کارل میلر برای انجام کاری سوار بر کامیونش از خانه خارج و راهی ششپر دیگری شده است اما چند ساعت بعد که کامیون میلر در یکی از خیابان‌ها پیدا شد، مأموران به ماجرا مشکوک شدند. کامیون در خیابانی در نزدیکی محل زندگی میلر پیدا شد و این نشان می‌داد که زن ۶۰ساله درباره اینکه او راهی شهر دیگری شده، دروغ گفته است.

مأموران بار دیگر راهی خانه میلر شدند اما این‌بار هر چه زنگ زدند، کسی جوابشان را نداد. آنها که به ماجرا مشکوک شدند از گوشه یکی از پنجره‌ها نگاهی به داخل خانه انداختند و صحنه عجیبی دیدند. پیکر مردی سالخورده بی حرکت روی زمین افتاده بود و به‌نظر می‌رسید که نفس نمی‌کشد. مأموران در ادامه با شکستن قفل در، وارد خانه شدند و متوجه شدند که مردی که روی زمین افتاده، کارل میلر است که به قتل رسیده. این در حالی بود که زن ۶۰ساله که در خانه حضور داشت به اتهام قتل دستگیر و به اداره پلیس منتقل شد. این زن در بازجویی‌ها به قتل میلر ۹۳ساله اعتراف کرد اما هنوز معلوم نیست که انگیزه او از این جنایت چیست و پلیس اعلام کرده که این زن بازداشت شده و تحقیقات از او ادامه دارد.

رویداد

مرگ هولناک

در نخستین سرعت

۲ پسر جوان که می‌خواستند هیجان سرعت را تجربه کنند، موبایل قابی را شروع کردند اما در نخستین سرعت حادثه مرگباری روبه‌رو شدند.

به گزارش همشهری، چند روز قبل به پلیس خبر رسید که ۲ سارق به سوار بر موتور بودند پس ازسرقت گوشی یک زن، بر اثر تصادف به‌شدت مصدوم شده و یکی از آنها در بیمارستان جان باخت است. با شروع تحقیقات، زن مالباخته به مأموران گفت: من در حال رانندگی بودم که در ترفیاق گرفتار شدم. از سوی دیگر شیشه ماشینم پایین بسود و در حال صحبت با گوشی موبایل آیفون ۱۳ پروکس خود بودم. ناگهان یک دستگاه موتورسنگلت به ماشینم نزدیک شد و در یک چشم به‌هم‌زدن ترک نشین موتور، گوشی‌ام را قاپید و هر دو فرار کردند. آنها وارد کوچه‌ای شدند و من هم تصمیم گرفتم به تعقیبشان بپردازم. وی ادامه داد: کوچک‌همی که آنها داخل آن بیچیندین‌بست بود اما سرعت‌شان آفتذر زیاد بود که ناگهان تعادلشان را از دست دادند و موتورشان واژگون شد.

در ادامه تحقیقات، گوشی آیفون شاکی از جیب سارقی که جانش را از دست داده بود کشف شد. به دستور بازپرس جسد جوان ۲۵ساله به پزشکی قانونی انتقال یافت. از سوی دیگر همدست وی که در این حادثه مصدوم شده بود تحت بازجویی قرار گرفت و گفت: من و دوستم مشکل مالی نداریم. ما روز حادثه تصمیم گرفتیم در خیابان چرخی بزنیم و صرفا برای تجربه هیجان یک گوشی آیفون سرعت کردیم.

وی ادامه داد: در حال پرسه زدن در خیابان بودیم که چشممان افتاد به زنی جوان. او پشت فرمان ماشین جک بود و در حالی که شیشه‌ها پایین بود با ماوبایلش صحبت می‌کرد. من که راکب بودم به ماشین جک زن جوان نزدیک شدم و دوستم در یک چشم به‌هم‌زدن گوشی را قاپید. سپس هر دو فرار کردیم اما چون او لولمان بود، هول دستپاچه شده بودیم. وحشت‌زد تصمیم به فرار از محصمه داشتیم اما از بخت بد ما، شاکی به تعقیبمان پرداخت و عمدا با ماشین به موتور ما کوبید که موجب شد تعادل‌مان را از دست بدهیم و زمین بخوریم. در این حادثه، دوستم جان باخت و هنوز مصدوم است.

این سارق تازه کار در حالی چنین ادعایی مطرح کرده که شاکی می‌گوید، به هیچ‌عنوان با موتور سازقان عابربانک آنها هنگام فرار تعادل‌شان را از دست دادند. در این شرایط، قاضی پرونده دستور داده تا کارشناسان تصادف، بررسی‌های لازم را انجام دهند و اعلام کنند که آیا تصادف عمدی بوده یا نه.